

گزارشی از وضعیت نانوائی‌ها در اشنویه

سه شنبه بیست سوم مهر ۱۳۸۷

گزارش ارسالی: به کمیته هماهنگی برای کمک

نظام سرمایه داری جمع اضرار است یعنی همه‌ی تضادها و شکافهای موجود در جامعه را یکجا در بطن خود پرورش می‌دهد و این رشد سرطانی روزبه روز شکاف موجود را عمیقتر می‌کند، به این ترتیب که قشر بالادست که درصد اندکی از جامعه را فرا گرفته‌اند هر روز بالاتر می‌روند و همه امکانات زندگی به راحتی در اختیار آنان قرار می‌گیرد. برعکس قشر محروم و پایین دست جامعه که اکثریت اجتماع را تشکیل می‌دهند هر روز محروم‌تر از دیروز می‌شوند تا جایی که دارند از نان خوردن عادی هم می‌افتند.

در شهر ۵۰ هزار نفری اشنویه حدوداً ۵۰ واحد نانوائی وجود دارد که در هر واحد ۴ الی ۵ نفر کار می‌کنند، در این میان شاطر روزی ۸ هزار تومان و بقیه ۵ هزار تومان حقوق می‌گیرند و باید با این زندگی بسازند در حالیکه دست مزد ۴۰۰ هزار تومان زیر خط فقر معرفی شده است. این کارگران که با پخت نان، اولین اولویت خوراکی جامعه را تامین می‌کنند اما به دلیل دستمزد پایین، زندگی را به سختی می‌گذرانند و برای زنده ماندن باید بعد از اتمام کار در نانوائی، بلافاصله سراغ کارهای دیگری از جمله دست فروشی در خیابان و غیره بروند. حالاً دیگر کارفرما برای انباشت هر چه بیشتر سود، به اندازه زنده ماندن هم به کارگران حقوق نمی‌دهد.

از ساعت ۳ نصف شب به بعد، جلوی هر نانوائی‌خانه مملو از تجمع مردمی هست که برای گرفتن نان صف کشیده‌اند. قشر محروم جامعه و از جمله خانواده‌های کارگری که نان خشک خوراک اصلی آنهاست مجبور هستند که از استراحت شبانه خود بگذرند تا شاید نان خشک برای زنده ماندن فردایشان را بگیر بیاورند و صبح زود بتوانند به سر کارهایشان بروند تا از دستمزد حاصله سایر نیازهای زندگی خود را تامین کنند و دوباره تکرار مکررات. این قشر محروم چند ساعتی بیشتر نمی‌توانند استراحت کنند زمانی که سرکار هستند باید به سختی کار کنند و شب‌ها نیز برای گرفتن نان خشک مجبور هستند از استراحت شبانه خود بگذرند.

تازه این در حالیکه اگر نان گیرشان بیاید که اکثر مواقع عکس این اتفاق می‌افتد و باید نان را از بازار قرصی ۸۰ تومان تهیه کنند. هر نانوائی روزانه ۱۱ لنگه آرد ۴۰ کیلویی سهمیه دارد که نصف آنرا صاحبان نانوائی‌ها با همدستی مامور شورای آرد و نان مخفیانه به فروش می‌رسانند و نصف دیگر را پخت می‌کنند در این حالت نیز چانه‌های خمیر را چنان کوچک می‌کنند که نان بیشتر از یک وجب نمی‌شود تازه حدوداً نیمی از آن را می‌دزدند و به دست فروشها می‌فروشند. بلاخره مردمی که ساعتها در صفهای طولانی ایستاده‌اند باید همین نصفه نان‌ها را با چند برابر قیمت بخرند.

آری این مردم ایستاده مرده‌اند و نظام سرمایه داری با زرق و برق و تجملات و تبلیغات دروغینش چیزی جز بدبختی برای انسانها ندارد و این سیستم وارونه دیگر نمی‌تواند جوابگوی نیازهای بشر باشد و روزبه روز این دور باطل، زندگی را به به امید رهایی همه انسانها از زیر یوغ سرمایه و از بین رفتن استثمار انسان به دست انسان. کام انسانها تلخ تر خواهد کرد.

گزارش ارسالی: به کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری - ۲۱ مهر ماه ۱۳۸۷